



Original Paper

Article History:

Received: 3 April 2024

Revised: 20 May 2024

Accepted: 10 June 2024

Published Online: 21 June 2024

The Right to Rest and Recreation as a Human Right

Shadi Tazesh¹ (Corresponding Author), Seyed Ghasem Zamani², Mahmood Jalali³, Mahdi Abdolmaleki⁴

1. Department of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran.

E-Mail: shaditazesh1402@gmail.com

2. Department of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran.

3. Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

4. Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Abstract

The Right to rest and leisure is one of the human rights considered in the list of the Universal Declaration of Human Rights by the drafters of this international document. An overview of the government's negotiations regarding the draft of the Human Rights Declaration, as the birthplace of this right, clearly depicts their doubts about counting this divine gift as a right. The truth is the agreement of the first international actors in considering rest and recreation as a human right has not been able to guard the sanctity of human nature and curb the unbridled power of the state. Thus, Intellectuals have attempted to establish the right to rest and leisure as fundamental rights from a philosophical, social, moral and ... point of view and presented theories about this. Promoting this right to the rank of primary rights by itself strengthens the guarantee of its implementation and limits the power of states. In the meantime, review of Islamic text witnesses that Islam has given special attention to leisure, rest and recreation right since then and many verses and sayings are dedicated to this task; so that this right has been always considered a constructive factor of different dimensions of man. However, the main question is that should rest which is a part of every person's life be considered as a right? This research shows with a descriptive-analytical method that the rest and recreation should be recognized as a right for everyone not only for those who work since human rights are Indivisible, the absence of this right affects other human rights like the right to health and consequently the right to life.

Keywords: Rest, fundamental rights, leisure, Universal Declaration of Human Rights, labor rights.

Citation: Tazesh, Sh.; Zamani, S.Gh.; Jalali, M.; Abdolmaleki, M. (2024). The Right to Rest and Recreation as a Human Right. *Journal of Islamic Wisdom and Law*, 1 (2), 58-78. Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
دوره ۱، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۴۰۳
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi:



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

حق استراحت و تفریح به عنوان حق بشری

شادی تازش^۱ (نویسنده مسئول)، سید قاسم زمانی^۲، محمود جلالی^۳، مهدی عبدالمالکی^۴

۱. گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

shaditazesh1402@gmail.com

۲. گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۴. گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

حق استراحت و فراغت از جمله حق‌های بشری است که در فهرست اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد عنایت تدوین‌کنندگان این سند بین‌المللی قرار گرفته است. مروری بر مذاکرات دولت‌ها پیرامون پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر، به عنوان محل زایش این حق، به روشنی تردید آنان را در حق شماردن این موهبت الهی ترسیم می‌کند. حقیقت این است که توافق بازیگران اولیه در مرتبت حق بشری دانستن استراحت و تفریح نتوانسته چنان که باید پاسدار قداست ذات بشری بوده و لجامی بر قدرت افسار گسیخته حکمرانان نهد. از این روی، روشنفکران از منظر فلسفی، اجتماعی، حقوقی و ... در تلاش برای اثبات حق استراحت و فراغت در زمره حقوق بشری برآمده و به نظریه پردازی در این باره مبادرت کرده‌اند. ناگفته پیداست تفریح این حق به مرتبه حق‌های بشری به ما هو ضمانت اجرای آن را تحکیم و آزادی عمل دولت‌ها را تحدید می‌کند. در این میان، بررسی متون اسلامی شاهد این مدعاست که دین اسلام از همان اوان به حق شادی، استراحت و تفریح توجه ویژه مبذول داشته و آیات و روایات فراوانی به این مهم اختصاص یافته‌اند؛ به گونه‌ای که این حق همواره عامل سازندگی ابعاد مختلف انسان تلقی گردیده است. با وجود این، سوال اصلی این است که آیا استراحت که جزئی از حیات هر شخص است باید به عنوان یک حق شمرده شود؟ این نگارش با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که استراحت و تفریح باید به عنوان یک حق برای همه و نه صرفاً کسانی که کار می‌کنند مورد شناسایی قرار گیرد زیرا از آنجایی که حقوق انسانی تفکیک ناپذیر هستند عدم وجود این حق، سایر حقوق بشر مانند حق بر سلامت و در نتیجه حق بر حیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: استراحت، فراغت، حقوق بنیادین، اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق کار.

نحوه ارجاع به مقاله:

تازش، شادی؛ زمانی، سید قاسم؛ جلالی، محمود؛ عبدالمالکی، مهدی (۱۴۰۳). حق استراحت و تفریح به عنوان حق بشری. دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱ (۲)، ۷۸-۵۸. Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open - access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

از دیرباز، به حقیقت، بشر این نیاز را در درون خود احساس کرده که باید در میان همه دل‌مشغولی‌ها و روزمرگی‌ها اندک زمانی را به تجدید قوا، آسوده خاطر بودن و لذت بردن از مواهب الهی اختصاص دهد. چنانکه اکثر ادیان به ویژه اسلام بر این امر تأکید ویژه دارند قرآن کریم در آیه شریفه ۷۳ سوره مبارکه قصص می‌فرماید: «از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد، تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید، شاید شکر نعمت او را بجا آورید» و همچنین در آیه شریفه ۹-۱۱ سوره مبارکه نبا با این عبارات: «و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم و شب را پوششی (برای شما) و روز را وسیله‌ای برای زندگی و معاش»، بر شب به عنوان زمانی برای تسکین و استراحت و پوششی برای انسان که در آن بیاساید و از خواب به عنوان مایه آرامش یاد می‌کند. از این رو می‌توان گفت اسلام نسبت به نیاز انسان به شادی، استراحت و تفریح حساس بوده است و آیاتی مانند آن چه ذکر شد گویای آن است.

همگام با بروز دگرگونی‌های عظیم در سبک زندگی که از اقتضات انقلاب صنعتی بود، مطالبات بشری رنگ دیگری به خود گرفت؛ کار کردن به عنوان رکن اصلی انقلاب صنعتی به یکی از مهمترین مباحث تبدیل شد به نحوی که اندیشه حمایت از کارگران را در اشکال مختلف تسریع نمود و منجر به تأسیس سازمان بین‌المللی کار پس از پایان جنگ جهانی اول به منظور تدوین مقررات بین‌المللی کار گردید و در وهله نخست به فوری‌ترین نیازها و خواسته‌های کارگران پاسخ داده شد؛ به عنوان مثال، محدود کردن ساعات کار به ۸ ساعت در شبانه روز و ۴۸ ساعت در هفته در مصوبات اولین کنفرانس بین‌المللی کار در ۱۹۱۹ به تصویب رسید که پیروزی گرانبها و ارزشمندی برای کارگران بود.

چندین سال بعد، به هنگام تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر مناقشات و مناظرات فراوانی پیرامون درج «حق استراحت و فراغت»، «تحدید ساعات کار درحد معقول» و «برخورداری از تعطیلات ادواری با دستمزد» در فهرست حق‌های بشری صورت گرفت که نهایتاً با غلبه دیدگاه سوسیالیستی در این چانه‌زنی‌ها، امروزه در قالب ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر متبلور شده است. با وجود این، تا قبل از تشکیل اجلاس بین‌المللی ۱۹۹۳ در وین، تردیدها پیرامون حق دانستن برخی از حقوق مندرج در اعلامیه که در صدر آن‌ها ماده ۲۴ اعلامیه بود، وجود داشت. پرسشی که در ذهن نقش می‌بندد این است که آیا امروزه به قاطعیت می‌توان از حق فراغت و استراحت و تعهد به فراهم ساختن زمینه‌های تحقق این حق سخن به زبان راند؟ آیا این حق آن‌طور که ادعا شده با عنایت به زمینه‌های شکل‌گیری آن و جایگاه آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم‌چنان اختصاص به کارگران دارد؟ و یا اینکه با ملاحظات می‌توان قائل به تعمیم آن به سایر اقشار جامعه بود؟ از جانب طرح این پرسش اساسی لاجرم به این سوالات نیز پاسخ گفته می‌شود که مفهوم حقیقی فراغت و استراحت چیست؟ به راستی علت چنین موضع‌گیری‌های متعصبانه‌ای پیرامون حق دانستن اوقات فراغت چه بوده است؟ با وجود دنباله‌دار بودن مباحثات و اختلاف‌نظرهای فلسفی و عدم حصول توافق قطعی، چه عواملی سبب عقب‌نشینی مخالفان و اختصاص ماده‌ای به حق فراغت شد؟ این پژوهش ابتدا با تبیین واژگان استراحت و تفریح در صدد است معنایی مطابق با زمان حاضر از آن به دست دهد و سپس تبلور آن در اسناد حقوق بشری و ادیان را نشان داده و در پی آن انتقادات وارده به حق استراحت و تفریح و پاسخ‌هایی که به آن‌ها داده شده را ترسیم کند و در نهایت نتیجه حاصله را ارائه نماید.

۱. تبیین مفهوم «استراحت» و «فراغت»

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحث جدیدی است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوع مهمی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی تبدیل شده و امروزه به عنوان یک خواست گروهی و یک ارزش اجتماعی در جامعه مطرح است (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

گرچه برداشت و درک مشترک از یک اصطلاح نقش سازنده‌ای در به ثمر نشاندن و انسجام مباحثات و مناظرات پیرامون ابعاد مسئله مطروحه دارد اما باید اذعان نمود تعریف شفافی از این واژگان در اسناد حقوقی وجود نداشته و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی در هر دوره‌ای

تعریفی را ارائه داده‌اند و در نتیجه در این زمینه اتفاق نظری ندارند. نکته درخور توجه این است که مواد مورد تأمل یعنی ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (د) ۷(۲) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقی کلی نسبت به استراحت و فراغت و ابعاد خاص مرتبط با این حق یعنی محدودیت معقول ساعات کار، تعطیلات ادواری با حقوق، دستمزد در قبال تعطیلات عمومی را پیش‌بینی می‌کنند اما صریحاً تعاریفی از اصطلاحات «فراغت»^۱، «استراحت»^۲ و «تعطیلات با دستمزد» ارائه نمی‌دهند؛ آنچه مرتبه یأس و نومیدی را افزون‌تر کرده این که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هیچ‌گونه نظریه عمومی^۳ سازنده و راهگشایی روی این موضوعات ارائه نداده است؛ بنابراین، مفهوم مشترکی از این اصطلاحات رسماً عرضه نشده است. مشکلی که همه محققان پیرامون تعریف فراغت و اندازه‌گیری آن در تحقیقات با آن مواجهند توسط آینیس^۴ (۱۹۶۸) چنین توصیف می‌شود:

«از میان مهم‌ترین مقوله‌های زندگی، موضوع فراغت مطمئناً بی‌ضابطه‌ترین مسائل است. به عنوان تجربه شخصی یا عادت شمار زیادی از افراد، درمقایسه با بیشتر جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی، متنوع‌تر و ضدونقیض‌تر از آنست که بتوان تعریفی از آن ارائه نمود. نکته دیگر آنکه، تنوع واژگانی که هرروز برای تفریح بکار می‌رود - تفریح،^۵ استراحت،^۶ بیکاری،^۷ سرگرمی،^۸ مشغولیت،^۹ بازی^{۱۰} - پیچیدگی این موضوع را تأیید می‌کند» (Murray, 1993).

ذکر این مطلب در ابتدا ضروری می‌نماید که در اسناد حقوقی مذکور از اصطلاح Leisure استفاده شده که به نظر می‌رسد در واژگان حقوقی، تعبیری عام و کلی و دربردارنده اقسام گونه‌گون فعالیت‌های تفریحی بوده و کاربرد آن سابقه تاریخی دارد؛ زیرا اگر واژه Leisure را ریشه‌یابی کنیم از ریشه لاتین Licere به معنی «اجازه و رخصت دادن» می‌باشد (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد تعبیر مختلف چون استراحت، تفریح و ... اخص از اوقات فراغت و براساس مطالعات جامعه‌شناسی از کارکردهای زمان آزاد به حساب می‌آید؛ بدین معنا که فراغت بستری را برای انجام فعالیت‌های مطلوب افراد فراهم می‌سازد. برای تقویت این نظر، به حاصل مطالعات دومازیه^{۱۱} در این زمینه اشاره می‌شود که به طور کلی سه کارکرد برای اوقات فراغت برشمرده است:

(الف) اولین هدف و کارکرد اوقات فراغت، استراحت و رفع خستگی است. فراغت این فرصت را به آدمی می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند؛ زیرا این خستگی مطابق آهنگ طبیعی زیست‌شناسانه انسان به وی تحمیل می‌شود؛

(ب) کارکرد دیگر اوقات فراغت، تفریح و سرگرمی است. تفریح، دنیایی تازه، چه واقعی و چه خیالی، در برابر آدمی می‌گشاید که آدمی می‌تواند از خستگی روزانه ناشی از انجام یک رشته فعالیت محدود و تکراری به سوی آن فرار کند.

(ج) فراغت به فرد امکان رشد و خودشکوفایی می‌دهد و برای فرد فرصتی فراهم می‌کند تا کارهای تکراری را که از سوی نهادهای اجتماعی بر وی تحمیل می‌شود، پشت سر گذارد و به حوزه‌ای پا گذارد که در آن نیروهای آفریننده‌اش، آزادانه بتوانند با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزند یا آن‌ها را تقویت کنند.

فراغتی که نتواند این سه کارکرد را در هر زمان فراهم کند، فراغتی است که در جامعه امروزی از حیث نیازهای شخصیت انسان ناقص تلقی می‌شود (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۸). علاوه بر کارکردهای یاد شده، یکی از مهمترین کارکردهای مربوط به اوقات فراغت را رشد «فکری و فرهنگی» دانسته‌اند؛ زیرا کارکرد فکری و فرهنگی، تنها کارکردی است که با تمام کارکردهای دیگر اوقات فراغت، رابطه متقابل، نزدیک و تفکیک ناپذیر دارد (کوهستانی، خلیل‌زاده: ۱۳۷۸، ۶۸).

¹ leisure

² rest

³ general comment

⁴ Ennis

⁵ recreation

⁶ relaxation

⁷ idleness

⁸ Fun & entertainment

⁹ diversion

¹⁰ Play & games

¹¹ Dumazdier J.

بی‌تردید، برداشت افراد از فراغت و نحوه گذران اوقات فراغت برحسب شرایط اجتماعی و تاریخی و دوره زندگی متفاوت است اما آنچه مرتبط با پژوهش پیش‌رو می‌باشد این‌که بعد از انقلاب صنعتی برخورداری از تعطیلات و فراغت بخشی از اهداف طبقه کارگر بود که از طریق اتحادیه‌های کارگری تحت عنوان مرخصی با استفاده از حقوق و دستمزد دنبال می‌شد. البته جنبش‌های کارگری در ابتدا بیشتر اوقات فراغت را با پول در تنش می‌دیدند؛ لذا در تاریخ کارگری مسئله استفاده از تعطیلات و داشتن اوقات فراغت با دریافت پول در دستور کار این جنبش قرار گرفت. کاهش ساعات کار و حق استفاده از مرخصی با حقوق از دستاوردهای اتحادیه‌های کارگری در اوایل دهه ۱۹۳۰ در غرب بود. در آن دوره، تمامی حقوقی که کارگران مطالبه کردند در پی جنبش اوقات فراغت تقاضا می‌شد و افزایش استفاده از مرخصی همراه با حقوق برابر با رشد صنعت فراغت بود (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). در اهمیت حق استراحت و فراغت همین بس که در اولین کنوانسیون سازمان بین‌المللی به مسئله تحدید ساعات کار کارگران پرداخته و در اسناد بعدی وجوه مختلف آن از جمله محدودیت معقول ساعات کار، تعطیلات ادواری با حقوق، دستمزد در قبال تعطیلات عمومی بسط می‌یابد (بینید رنجریان، ۱۳۸۸: ۲۴۱-۲۵۰).

دردین اسلام از «شادی» با دو واژه «فرح» و «سرور» یا «حیور» یاد شده است: «فهم فی روضه یحبرون» (قرآن کریم، سوره رم: ۱۵). درحقیقت، تفریح معادل شادی و خوشحالی کردن است که از فرح به معنای خوشحالی و شادی مشتق شده است که گاه توأم با تکبر و فخر فروشی است و گاه بدون آن. کلمه فرح و مشتقات آن بیست و یک مرتبه در بیست و دو آیه و سیزده سوره قرآن کریم آمده است که در معانی مختلف به کار رفته است. به طور کلی، از مجموع آیات این گونه برداشت می‌شود که تفریح کردن دو نوع است: سالم و ناسالم. اگر تفریح و خوشحالی به صورت لهو و لعب، همراه با تکبر و فخر فروشی باشد مناسب نبوده و مورد پسند شارع نیست. اما اگر به طریق مشروع و بدون لهو و لعب باشد هم در این دنیا جایز است و هم در آخرت (بینید شرف الدین، ۱۳۹۳).

۲. حق استراحت و فراغت در آیین اسناد حقوق بشری و فقه اسلامی

مروری بر پیشینه تصویب ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر نمایانگر فراز و فرودهای پریچ و خمی است که حق استراحت و فراغت تا رسیدن به سرمنزل طی نموده است؛ خوشبختانه این حق در این سند راکد نماند و به تدریج در سایر اسناد حقوق بشری به طرز وسیع‌تر مورد استقبال دولت‌ها قرار گرفت که در این قسمت صرفاً پیرامون سه سند سخن می‌رود به علاوه نگاهی گذرا بر توجه منابع اسلامی به شادی و استراحت خواهیم داشت.

۲-۲. تبلور ماده ۲۴ در اسناد حقوق بشری

با آغاز نهضت کارگران در قرن نوزدهم میلادی، کارگران خواسته‌هایی مانند کاسته شدن از ساعات کار و تعیین پیشینه مدت کار در هر روز و در هر هفته را مطالبه می‌کردند. به تدریج با هویدا شدن آثار زیان بار کار استثمارگونه و طولانی در ساعت‌های متوالی بدون استراحت کافی و تحمل شرایط طاقت‌فرسای محیط‌های کار، بر زندگی «کارگران»، مطالبه «حق کار» به محدود بودن «مدت کار» در شبانه روز اهمیت یافت و یکی از خواسته‌های اصلی کارگران و اتحادیه‌های آنان شد. برآیند این تلاش‌ها این است که امروزه تحدید مدت کار در شبانه روز لازمه زندگی توأم با آرامش و آسایش جسمی و روانی و به عنوان یک «حق» برای کسانی که «کار» می‌کنند به ساحت «حقوق» وارد شده است و در قالب‌های مختلف گاه در حمایت از گروه‌های خاص (See Veal, 2021: 12-13)، گاه در سندی فعالیت محور و یا اسناد منطقه‌ای و ... پرتو افکنی می‌کند و به حیات خود ادامه می‌دهد. بدین ترتیب، اوقات فراغت در سیاق دیگر معاهدات ملل متحد و معاهدات راجع حق‌های درهم تنیده قسمت‌های مختلف جامعه مانند زنان، اقلیت‌های قومی، کودکان و معلولان (نادریان و همکاران، ۱۴۰۲)، و کسانی که به فعالیت‌های ویژه می‌پردازند مانند ورزش، آثار هنری و گردشگری به چشم می‌خورد (Sivan, Veal, 2021: 5). توفیق بر مضمون مواد راجع حق استراحت و تفریح در این اسناد نمایانگر آنست که جوهر اولیه و هسته اصلی این مواد هم چنان از سرچشمه اصلی خود که اعلامیه ۱۹۴۸ است سیراب می‌شود.

هرچند متناسب با موضوع و مقصد اولیه سندی که در آن مأوا گزیده کسوتی نوتر به تن کرده است.^۱

۱-۲-۲. ماده ۷ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

آغاز پدیداری حق استراحت و فراغت با حمایت از کارگران دوران انقلاب صنعتی به طرز اجتناب ناپذیری گره خورده است. ناگفته پیداست که نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی نقش عمده‌ای در جلب توجه اعضای کمیته‌ای^۲ که روی پیش‌نویس همفری کار می‌کردند به حق کار و حق استراحت بازی می‌کردند.

۱. حمایت از گروه‌های خاص

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)

کنوانسیون حقوق کودکان (۱۹۸۹)

کنوانسیون مربوط به مردمان بومی و قبیله‌ای در کشورهای مستقل (۱۹۸۹)

اعلامیه حقوق اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و یا زبانی (۱۹۹۹)

اعلامیه سیاسی و برنامه اقدام بین‌المللی مادرید در مورد پیری (۲۰۰۲)

کنوانسیون حقوق معلولان (۲۰۰۶)

اسناد منطقه‌ای

منشور اجتماعی اروپا (اتحادیه اروپا) (۱۹۶۱)

منشور آفریقایی (بانجول) حقوق بشر و حقوق مردم (۱۹۸۱) ماده ۹

اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام (سازمان کنفرانس اسلامی) (۱۹۸۱)

منشور اجتماعی آمریکاییان (۲۰۱۲)

اعلامیه حقوق بشر انجمن ملل آسیای جنوبی (۲۰۱۲)

اسناد فعالیت محور

- زمان آزاد

استانداردهای کار (ساعات کار، تعطیلات) (سازمان بین‌المللی کار) (۱۹۱۹)

- اوقات فراغت

منشور اوقات فراغت (سازمان جهانی اوقات فراغت) (۱۹۷۹/۲۰۰۰)

- ورزش

منشور المپیک (کمیته بین‌المللی المپیک) (۱۹۹۶)

منشور ورزش اروپا (شورای اروپا) (۱۹۹۲)

منشور بین‌المللی تربیت بدنی، فعالیت فیزیکی و ورزش (۱۹۷۹/۲۰۱۴)

منشور حقوق ورزشکاران جوان (اتحادیه آمریکا برای سلامتی، تربیت بدنی، تفریح و رقص) (۱۹۷۹)

برایتون پلاس هلسینکی ۲۰۱۴: اعلامیه زنان و ورزش (کارگروه بین‌المللی زنان و ورزش) (۲۰۱۴)

- فرهنگ

۲. در ۱۹۴۶، همفری به عنوان اولین مدیر بخش حقوق بشر ملل متحد برگزیده شد، به گونه‌ای که از آن پس شناخته شد، و Eleanor Roosevelt او را وادار به تهیه پیش‌نویسی با عنوان "International Bill of Rights" نمود. در آغاز، کمیته تهیه پیش‌نویس متشکل از سه فرد بود (روزولت، پرفسور چینی P.C Chang، و دیپلمات لبنانی Charles Malik) که توسط کمیسیون حقوق بشر منصوب شدند. به خاطر اختلافات فکری زیاد میان Malik و Chang، روزولت (به عنوان رئیس آن گروه) همفری را برای نوشتن اولین پیش‌نویس به تنهایی انتخاب کرد. ترکیب کمیته توسط شوروی در شورای اقتصادی و اجتماعی به چالش کشیده شد، با این حال، در اواخر مارس ۱۹۴۷، روزولت به طور یکجانبه کمیته‌ای متشکل از ۸ نفر تشکیل داد. همفری در سرگذشت زندگی‌اش آورده که در مارس ۱۹۴۷ دومرتبه درخواست شد تا «خطوط کلی سند» را به لحاظ فنی تنظیم کند، اما وی پیش‌نویس کاملی از اعلامیه را تهیه نمود.

اعلامیه اروپایی حقوق شهرونی (کمیسیون اروپا) (۲۰۰۱)

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی (۲۰۰۱)

- گردشگری

اعلامیه مانیل در مورد گردشگری جهانی (سازمان گردشگری جهانی ملل متحد) (۱۹۸۰)

منشور حقوق گردشگری و کد گردشگری (سازمان گردشگری جهانی ملل متحد) (۱۹۸۵)

کد جهانی اخلاق برای گردشگری (سازمان گردشگری جهانی ملل متحد) (۱۹۹۸)

نظر کمیته اقتصادی و اجتماعی راجع گردشگری اجتماعی در اروپا (اتحادیه اروپا) (۲۰۰۶)

به عنوان مثال، آقای ولادیمیر کورتسکی^۱ از اتحاد جماهیر شوروی، مصرانه بر این موضع بود که «حق استراحت و فراغت باید در ارتباط با شرایط کار در نظر گرفته شود»، و همکار او الکساندر بوگومولوف^۲ در تکمله سخن وی افزود «سازمان‌های اتحاد تجاری ... برای نظارت بر حمایت از این حق باید اختیار و قدرت کافی داشته باشند» (Kamminga, Morsink, 1999: 186). حاصل این کوشش‌ها چنین بود که برخی کشورها از جمله نماینده بریتانیا، لرد دوکستین^۳، رویه اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی را سرمشق خود قرار داده و پذیرفتند که باید استراحت با حقوق صریحا در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شود.^۴ درج مواد ۲۳ و ۲۴ که در آن برهه زمانی به مثابه مرهمی بر زخم‌های التیام نیافته کارگران بود به متن اعلامیه منحصر نماند و به مرور شاهد به بار نشستن چنین مجاهدت‌هایی در سایر اسناد حقوق بشری هستیم که نمی‌توان تأثیر آن را در محکم‌تر نمودن جایگاه حق استراحت و فراغت در نظام بین‌الملل حقوق بشر انکار نمود.

بارزترین و مهم‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که متناسب با برآوردن خواسته کشورهای سوسیالیست در سیاق بازگو کردن شرایط منصفانه و مطلوب کار از بیان این حق غفلت نورزیده است. ذکر حق استراحت و فراغت در آخرین بند این ماده گویای آن است که برخورداری شایسته از این حق به گونه‌ای که همراه با نوعی آسودگی فیزیکی، فکری و روانی باشد نیازمند تحقق مقدماتی است که در بندهای بالایی ماده به آن‌ها اشاره شده و دولت‌ها نقش کلیدی در تحقق آن ایفا می‌کنند. متن ماده ۷ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرایط منصفانه و مطلوب کار را شامل موارد زیر می‌داند:

الف) مزد که باید برای کلیه کارگران حداقل موارد زیر را تأمین کند:

۱. دستمزد منصفانه و متساوی در برابر کار مساوی بدون هیچ تمایزی، خصوصا زنان نباید مجبور به انجام کارهایی پست‌تر از مردان گردند و باید دستمزد برابری دریافت نمایند؛

۲. امرار معاش مناسب برای کارگر و خانواده‌اش مطابق اصول میثاق حاضر؛

ب- شرایط کار سالم و امن؛

ج- حق کلیه افراد به پیشرفت کاری و ترفیع به درجات بالاتر کاری تنها براساس ظرفیت و مهارت؛

د- حق برخورداری از استراحت، فراغت، محدودیت منصفانه ساعات کار، مرخصی استحقاقی منظم با استفاده از مزد روزهای تعطیل عمومی.

مطالعه پیرامون مواد میثاق‌های بین‌المللی ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که این اسناد گاه به تعریف، طبقه‌بندی و وصف صورت مادی مفاهیم مربوط به حقوق بشر اکتفا کرده و بدین ترتیب راه را برای تفسیرهای مختلف باز گذاشته‌اند؛ چندانکه هر دولت بتواند با توجه به کیفیتی که خود مناسب تشخیص می‌دهد، حدود هر حق را مشخص بدارد؛ مفاهیم شرایط عادلانه و مساعد (ماده ۷ میثاق حقوق اقتصادی ...)، یا مفهوم ظالمانه که در مواد مختلف بکار رفته از جمله این معیارهای کیفی به شمار می‌آیند (فلسفی، ۱۳۷۴: ۱۱۹). به علاوه، با توجه به اینکه مقصود از حقوق بشر، حقوقی است که همگام با شرایط زیست انسان که بیرون از عنصر اصلی وجود اوست سروکار دارد، قابلیت گسترش آن‌ها به عالم واقع امکان پذیر شده و به همین سبب محتوای این حقوق بسیار متنوع می‌گردد. لذا هیچ چیز مانع از آن نیست که قلمرو و محتوا حق‌های بشری روز به روز، به تناسب اوضاع و احوال اجتماعی گسترده‌تر شود.

آنچه صحت این مدعا را به اثبات می‌رساند وجود برخی کنوانسیون‌های حقوق بشری هستند که با تعمیم چتر حمایتی اقشار و دسته‌های خاصی از مردمان را مورد حمایت مضاعف قرار داده‌اند و یا با توجه به ویژگی‌های برخی از ابناء بشری، حقوق ویژه‌ای را برای آن‌ها رقم زده‌اند.

با مقدمه‌ای که بیان شد می‌توان ادعا نمود درست است تلاش برای دست‌یابی به اوقات فراغت در اوایل رشد دوره صنعتی مدرن در ستیز اتحادیه‌ها برای احقاق حقوق کارگران و در مدیریت کارخانه‌ها تجلی یافت (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۰۴)؛ با وجود این، با گذر زمان و حتی بهبود شرایط کاری از حیطه کارگران صنعتی فراتر رفته، سایر قشرهای جامعه را نیز دربر گرفته است (رفعت‌جاء، ۱۳۹۰: ۱۵۲) به گونه‌ای

¹ Vladimir Koretsky

² Alexander Bogomolov

³ Lord Dukestin

⁴ Ibid, p. 186.

که این باور امروزه در جامعه بین‌المللی ریشه دوانده که تحقق انواع حقوق بشر به خصوص انواع اقتصادی و اجتماعی که منجر به حمایت عملی از اقشار آسیب پذیر، فقرا، معلولان و افراد بومی در زمینه‌های مختلف می‌شوند، ضرورت اساسی دارند (ذاکریان، ۱۳۷۹: ۲۲۷).

بنابراین، حق استراحت و فراغت که ابتدائاً در بررسی‌های فلسفی پیرامون حقوق بشر به عنوان تمهیدی برای بهبود شرایط کار، در قالب «محدودیت‌های معقول ساعات کار» و «تعطیلات ادواری با دستمزد» در قالب ماده ۲۴ اعلامیه و به دنبال ماده ۲۳ که به حق کار پرداخته، مورد توجه قرار گرفت؛ در این نقطه متوقف نماند. با اذعان به این که مبنای برخورداری از حقوق بشر، کرامت و حیثیت ذاتی انسانی و هم صدا شدن با تغییر و تحولات در عرصه بین‌المللی است؛ این تردید از اذهان زدوده شده که درواقع امر، این حق محدود به کارگران (اعم از زن و مرد) نبوده بلکه برای بشر از حیث بشر بودن قابل تعمیم است؛ از این منظر افراد دیگر چون زنان خانه‌دار، کسانی که مشغول کار نیستند و حتی کودکان را هم دربرمی‌گیرد. شاهد آن پیش‌بینی ماده ۳۱ در کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد که به موجب آن دولت‌ها تکلیف دارند حق استراحت، فراغت، بازی، فعالیت‌های تفریحی و شرکت آزادانه و کامل در فعالیت‌های فرهنگی و هنری را برای کودکان به رسمیت شناسند.

به دنبال ذکر این مطلب، آنچه درخور توجه است آنکه تبیین و تعریف حدود حق فراغت و استراحت در مورد اقشار مختلف و در سیاقی جز آنچه در مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه آمده باید به گونه‌ای محتاطانه و با لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد گروه مطالعه صورت گیرد. ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک علاوه بر آنکه گواه امکان پذیر بودن گسترش چنین حمایتی می‌باشد، در این مسیر بایی را به روی کشورها می‌گشاید تا با تدوین حاصل گفتمان‌ها و مذاکراتشان در قالب سند بین‌المللی، رویه بین‌المللی را انسجام بخشند.

۲-۲-۲. ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک

همان‌طور که در بررسی‌های تاریخی به تصویر کشیده شد حق استراحت و فراغت «حق متعلق به کارگران»^۱ شناخته می‌شود که به عنوان تدبیری برای تضمین صلح اجتماعی توسط پایه‌گذاران آن اندیشیده شد، با وجود این نمی‌توان از این مهم چشم‌پوشی نمود که عدم توجه به حق فراغت کودکان (مانند ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودکان) به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی، با کاهش میزان رضایت از سلامت روان‌شناختی و تحقق احتیاجات و نیازهای اولیه آن‌ها در ارتباط است. امروزه رشته تخصصی تفریح درمانی، فراغت را در «کانون اهداف روانی خود» نشانده و مدعی پیشتازی و برتری آن به عنوان حقوق بشر است (Sylvester, 1992). با در نظر داشتن این نکته، بدیهی است که کاستی و نقصان در اجرای حق فراغت کودکان منتهی به بروز رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت می‌شود.

ماده ۳۱ در رشد و پیشرفت کودکان نقش بسزایی ایفا می‌کند و حق کودکان بر بازی، داشتن ذهنی سالم، آرامش و سرگرمی تضمین می‌کند. در مواقع بحرانی متعاقب جنک و بی‌خانمانی، تعامل کودکان با یکدیگر می‌تواند آن‌ها را از سلامت روانی در چنین فضای پرتنش در زندگی‌شان مصون دارد. به علاوه، فشار پیوسته گاهی اوقات از جانب مدرسه، معلمان، والدین و هم‌کلاسی‌ها منتهی به مشکلات روحی شدیدی می‌شود که بی‌توجهی به آن‌ها عواقب طولانی مدت در زندگی خواهد داشت. بنابراین، تاکید بر ماده ۳۱ زندگی کودکان را در جهت رفاه، سلامت روحی و آسایش روانی بهبود می‌بخشد (McNeill, 2020: 16).

به دلیل اهمیت این موضوع، در ۲۰۱۳، کمیته حقوق کودک در نظریه عمومی شماره ۱۷ به تفصیل، ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک را از زوایای مختلف موشکافی نموده که به فراخور بحث به پاره‌ای از قسمت‌های آن اشاره می‌گردد. درحقیقت، کودکان در هر مملکتی به عنوان سرمایه‌های گرانبهایی هستند که با مراقبت و کمک به رشد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آنان می‌توان مسیر ترقی و تکامل جوامع را رقم زد. بدین جهت، کمیته حقوق کودک پیش از تجزیه و تدقیق اجزاء ماده ۳۱، به ذکر توضیحاتی پیرامون اهداف و اهمیت درج این ماده در کنوانسیون حقوق کودک پرداخته است. نکته دیگر اینکه، این نهاد به منظور هدفمند کردن دقیق تر تعهدات دولت‌ها، به ارائه تعاریفی از واژگان «استراحت» و «فراغت» در سیاق ماده ۳۱ و کنوانسیون حقوق کودک پرداخته که عبارتند از:

- حق استراحت مقرر می‌دارد کودکان از اوقات فراغت کافی از کار، تحصیلات، و هر نوع تلاش و کوششی برخوردار خواهند بود تا به مطلوب‌ترین میزان تندرستی، رفاه و بهروزی دست یافته و علاوه بر آن زمانی برای خواب کافی داشته باشند. به منظور برآورده شدن حق

¹ Worker's rights

فراغت از فعالیت و زمانی برای خواب، دولت‌ها نیز باید توجه کافی به پتانسیل و استعداد های کودکان و زمینه های پیشرفت و رشد آن‌ها داشته باشند (CRC, 2013: para.14).

- «فراغت»: فراغت درحقیقت نمایانگر فرصتی است که امکان بازی و انجام فعالیت‌های تفریحی در آن وجود دارد و به عنوان زمان فراغت یا زمانی فارغ از هرگونه تعهد توصیف شده که تحصیلات، کار، مسئولیت‌های خانه یا دیگر روزمرگی‌های زندگی یا هر فعالیتی که فرد را از پرداختن به خود باز می‌دارد کنار می‌زند؛ موقعیتی است که فرد بسته به انتخاب خود از آن بهره می‌برد (CRC, 2013: para.14).

- بازی و تفریح فرصت‌هایی برای دوست یابی فراهم نموده و نقش کلیدی در تقویت جامعه مدنی، مشارکت در توسعه اجتماعی، اخلاقی و عاطفی، به اشتراک‌گذاری فرهنگ و تشکیل جوامع به وجود می‌آورد. به سبب چنین ثمراتی، دولت‌های متعهد باید امکان دست یابی به چنین فرصت‌هایی را در اختیار کودکان قرار دهند تا آنان بتوانند آزادانه با گروه همسالان خود در جامعه تعامل برقرار نمایند (CRC, 2013: para.21).

۲-۲-۲. ماده ۱۳ اعلامیه قاهره

اعلامیه قاهره در سال ۱۹۹۰ به تصویب کشورهای همکاری اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی پیشین) رسید با این مقدمه که «دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمت‌ها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گرداند، ... و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمانان است، ... بنابراین مراعات آن‌ها، عبادت است و کوتاهی از آن‌ها یا تجاوز بر آن‌ها منکر است و هر انسانی به طور منفرد، مسؤول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن‌ها، مسؤولیت دارد...» مقدمه اعلامیه در خصوص تضمین این حقوق حاوی نکته‌ای بدیع است به این صورت که رعایت حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی مندرج در اعلامیه را در زمره اعمال عبادی تلقی کرده است و نه ضمانت حقوقی. بدین معنی که می‌گوید رعایت این حقوق عبادت است و نقض آن‌ها منکر؛ و اجرای آن را بر عهده افراد به صورت منفرد و امت به صورت جمعی قرار می‌دهد و در نهایت با این جمله که «دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس، مواد زیر را اعلام می‌نمایند» اعلامی بودن این حقوق را تأیید می‌کند.

اعلامیه در ماده ۱۳ کار را حق می‌داند و از دولت و جامعه تضمین آن را می‌خواهد. بر عکس ماده ۷ میثاق که از واژه جامعه استفاده نکرده، ماده ۱۳ اعلامیه قاهره این واژه را به کار می‌برد. در ادامه با عبارتی کوتاه بدین شرح «حق استفاده از مرخصی‌ها ... را دارد» موضوع حق بر مرخصی را که آن را تعبیر به استراحت می‌توان کرد شناسایی می‌کند اما این ماده با عبارت پردازی بند ۲ قسمت ۲ ماده ۷ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حیث استفاده از واژگان متفاوت است. بند ۲ با منشاء حق بر کار از واژگان استراحت، فراغت و محدودیت قابل قبول ساعت کار و مرخصی ادواری با حقوق بهره می‌گیرد، اما ماده ۱۳ با همان منشاء صرفاً از واژه مرخصی استفاده کرده است که ناظر به بخشی از حق بر استراحت است. بنابراین ماده ۱۳ از این حیث بسیار مضیق‌تر از بند ۲ قسمت ۲ ماده ۷ میثاق است.

۲-۲-۲. فقه اسلامی

توصیه‌های زیادی در متون دینی از سوی بزرگان دین در مورد اختصاص زمانی به استراحت، تفریح و نشاط دیده می‌شود که به بخشی از آن به طور خلاصه اشاره می‌شود. امیرمومنان حضرت علی (ع) می‌فرمایند: مومن را سه وقت است: وقتی که در آن با پروردگار خود به راز و نیاز می‌پردازد؛ وقتی که به حساب نفس خود می‌رسد؛ وقتی که به لذت‌های حلال می‌پردازد و خوش می‌گذراند (محمدی، ۱۳۶۷: ۲۱۲۲). خداوند متعال در آیه ۸۰ سوره نحل می‌فرماید: «خداوند قسمتی از خانه‌های شما را محل سکونت و آرامش قرار داد و نیز از پوست چهارپایان برایتان خانه‌هایی قرار داد». در این آیه تأکید می‌کند که یکی از حکمت‌های ساختن خانه، ایجاد محلی برای استراحت و آسایش است. در مواردی فلسفه خلقت شب را استراحت و آسایش انسان بیان می‌کند و چه بسا به کراهت کار کردن در شب جز در موارد اضطراری اشعار دارد. در آیه ۷۳ قصص، خداوند می‌فرماید: «از نشانه‌های رحمت خداوند این است که شب را برای شما قرار داد تا در آن آرامش یابید و روز را قرار داد تا در آن به دنبال روزی باشید و شاید سپاسگزار باشید.» هم‌چنین در سوره نمل آیه ۸۶ می‌فرماید:

«آیا ندیدند که ما شب را خلق کردیم تا در آن آرامش بگیرند و روز را خلق کردیم تا روشنی بخش باشد، به درستی که در این نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند».

در کنار آیات دیگری که به این حق پرداخته روایات متعددی نیز با مضمون حق استراحت و تفریح وجود دارد (ببینید حبیبی و دیگران، ۱۴۰۲: ۹۲) که می‌توان حق بر استراحت را از آن بهره جست زیرا صریحاً به حق بودن آن‌ها اشاره نشده است و متضمن تعهدی برای حکومت نیست اما این به معنای نفی حق بودن استراحت و تفریح تلقی نمی‌شود. پیامبر اکرم (ص) در سفارشی به ابودر می‌فرماید: «بر عاقلی که عقل در زندگی‌اش حاکم است لازم است که برای خود در طول روز ساعاتی قرار دهد: اول ساعتی که در آن با پروردگارش مناجات کند، دوم ساعتی که به محاسبه نفس خویش بپردازد، سوم ساعتی که در آن به الطافی که خداوند نسبت به او داشته بیانید، چهارم ساعتی که در آن به لذات حلال بپردازد، به درستی که به کمک این زمان آخر (زمان استراحت و تفریح) توانایی انجام کار مربوط به زمان‌های قبلی را پیدا می‌کند و این زمان موجب تفریح دل‌ها و استراحت است» (محمدی، ۱۳۶۷: ۲۱۲۲).

۳. حق استراحت و تفریح: حقی مستقل؟ یا حقی مأخوذ از حقوق دیگر؟

ایرادات منتقدان به حقوق بشر به طور کلی یا به حقی خاص به پشتوانه دلایلی است که دیدگاه‌هایشان را بر آن استوار می‌نمایند؛ دیوید فورسیت، دانشمند علوم سیاسی، معتقد است نظریه‌های فلسفی ذاتاً اختلافی‌اند و اهتمام به نظریه عمل و کار بست حقوق بشر را تضعیف می‌کند. اما هم او اذعان می‌دارد که حصول توافق عملی در سیاست بین‌الملل در میان کسانی که نظریه‌های مختلف دارند یقیناً مطلوب خواهد بود. اگر بخواهیم به این موضوع پی ببریم که چرا چنین توافقاتی مطلوب‌اند و چگونه ممکن‌اند و چرا در اجرا دچار دشواری می‌شوند باید نظریه‌های مختلف پشتیبان و تضعیف‌کننده مفهوم حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهیم (فریمن، ۱۳۸۳: ۳۸). بر این اساس، اشخاص مختلف مدعیات متعارضی درباره حق‌های بشری دارند و در حقیقت بدون وجود نظریه‌ای در باب حقوق بشر نمی‌توان به گونه‌ای عقلانی از بین آن‌ها دست به انتخاب زد. در این قسمت، بعد از پرداختن به ایرادات مخالفان این حق بشری، پاسخ‌ها و توجیهاتی که ارائه شده، بیان خواهد شد و خواننده را با دنیای فکری خود تنها می‌گذارد که به عنوان یک دادگر بر مسند قضاوت نشسته و به این پرسش پاسخ دهد که آیا حق استراحت و فراغت دارای وجود مستقلی است؟ و یا نمی‌توان حیات مجزایی در میان حق‌های بشری برای آن متصور شد.

۳-۱. انتقادات به حق استراحت و فراغت به عنوان حقی بشری

متناسب با پژوهش پیش‌رو، انتقادات وارد بر حق استراحت و تفریح عموماً در دو قالب مطرح می‌شوند: اولین دسته تقلیل‌گرایان^۱ هستند که نه تنها به حق استراحت و فراغت کافی حمله می‌کنند بلکه به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور کلی انتقاد وارد می‌کنند. این دسته مدعی هستند که نه تنها برآوردن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غیرعملی و غیرممکن می‌باشد بلکه اساساً دارای ماهیت متفاوتی با حقوق مدنی و سیاسی هستند و بنابراین، اصلاً حق محسوب نمی‌شوند. خط دوم حملات و ایرادات از سوی بنیادگرایان^۲ می‌باشد که شاخه متمایزی از تقلیل‌گرایان هستند؛ دانشمندانی که درصددند فهرست کامل حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را به فهرست کوتاه‌تری از «حقوق اولیه»^۳ یا «حقوق جهانی»^۴ تقلیل دهند. از این منظر، تنها فهرستی از حقوق بشر اساسی در نظر گرفته می‌شود که سایر حقوق از آن‌ها مشتق می‌گردد.

^۱ Reductionists

^۲ Essentialists

^۳ Basic rights

^۴ Universal rights

۱-۳. تقلیل‌گرایی^۱

موریس کرانستون^۲ از شاخص‌ترین نظریه‌پردازانی است که رای‌زنی و تحقیق پیرامون حق استراحت و فراغت را عبث و بی‌نتیجه دانسته و عمده انتقادات وی مبتنی بر انکار وجود حقوقی تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد. کرانستون از مدافعان پروپا قرص حقوق طبیعی بوده و معتقد است باید حقوق با قابلیت اعمال جهانی را از ایده آل‌ها تفکیک نمود زیرا عدم توجه به مرز میان این دو مفهوم سبب تضعیف حقوق بشر می‌شود. وی، از حقوق مدنی و سیاسی نظیر ممنوعیت برده داری و شکنجه و ... حمایت کرده و برچسب «حقوق واقعی»^۳ را بر آن‌ها می‌نهد. او در تقویت استدلال خود معیاری سه وجهی شامل عملی بودن، جهان شمول بودن و از اهمیت برجسته برخوردار بودن^۴ را مطرح نموده که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فاقد این خصایص می‌داند در حالی که نسل اول حقوق بشر این معیار را برآورده می‌سازد. میزان اول از نظرگاه او، قابلیت اعمال است؛ بدین مضمون که حق‌ها مستلزم تکلیف هستند، مردم تنها می‌توانند نسبت به آن چیزی تکلیف داشته باشند که انجام دادنشان امکان‌پذیر باشند (Cranston, 1983: 13).

بنابر دیدگاه مرسوم که وجود دارد لازمه تحقق حقوق مدنی و سیاسی تنها عدم کنش حکومت‌ها است (برای مثال، انجام ندادن شکنجه)، لذا امکان تحقق فراگیر را دارند درحالی‌که حقوق اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر نهادهای خاصی‌اند که جهانی نیستند (مثل دولت رفاه) و تحقق این حقوق برای برخی از دولت‌ها بسیار پرهزینه است. هیچ وظیفه‌ای برای انجام کار غیرممکن وجود ندارد و اگر غیرممکن است که به برخی از نیازهای اقتصادی و اجتماعی توجه شود، در آن صورت هیچ حقی نسبت به برآورده شدن آن‌ها وجود ندارد (فریمن، ۱۳۸۳: ۵۶) چون حق استراحت و فراغت مستلزم تدارک مقدماتی از جمله امنیت اجتماعی و تعطیلات با پرداخت حقوق می‌باشد که تأمین آن برای بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی بدلیل فقدان منابع و امکانات کافی امکان‌پذیر نیست نمی‌توان آن را به عنوان حق دانست.

میزان دوم، جهانشمولی است؛ اگر حقی داعیه حق بشری بودن دارد باید واقعا جهانشمول باشد. دو روش وجود دارد که حقی قابلیت اعمال جهانی داشته باشد: یکی اینکه یک حق واقعی بایستی برای همه باشد. اما کرانستون استدلال می‌کند که حقی مثل تعطیلات منظم ادواری توأم با پرداخت حقوق _ که فقط کارگران از آن استفاده می‌کنند _ حقی است که برخی افراد، نه همه افراد از آن بهره‌مند هستند (Cranston, 1983: 14). دوم اینکه او استدلال می‌کند یک حق واقعا جهانشمول حقی است که یک تکلیف جهانشمول ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که یک حق واقعی بشر می‌باید حق در برابر همگان باشد. چیزی که در پاسخ کرانستون در رابطه با این قضیه می‌توان گفت و گفته شده است این ادعا که حقی چون تأمین اجتماعی حق جهانشمول (حق همه) نیست زیرا همگان نیاز نخواهند داشت تا به تسهیلات رفاهی چون تأمین اجتماعی متوسل شوند، مثل این است که بگوییم حق بر محاکمه منصفانه، یک حق جهانشمول نیست زیرا تنها برای آن‌هایی که خودشان را متهم به جرمی می‌دانند، قابل اعمال است. کرانستون همچنین ملزم می‌کند که حقوق بشر بایستی حقوقی باشد که در برابر همگان ادعا می‌شود، در حالی که برای هر شخص خاص، یک حق اقتصادی - اجتماعی و به طور مستقل در برابر یک حکومت خاص یا یک جامعه خاص ادعا می‌شود تا اینکه در برابر جهان به طور کل ادعا شود. حقوق اقتصادی - اجتماعی حقوق در برابر فرد یا افرادی خاص هستند تا اینکه حقوق در برابر همه مردم باشند (همتی، ۱۳۸۶: ۷۳). خصیصه دیگر حقوق مدنی و سیاسی اهمیت ویژه آن‌ها می‌باشد که سبب رجحان یافتن آن‌ها بر دیگر حقوق از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردیده است که در این خصوص در قسمت بعد توضیحات بیشتری ارائه می‌گردد.

¹ Reductionism² Maurice Cranston³ True rights⁴ Paramount importance

۲-۱-۳. بنیاد گرایی^۱

دسته‌ای از نظریه‌پردازان سیاسی براین باورند مفهوم حقوق بشر جهانی «امپریالیستی» است، اما با این حال، نمی‌خواهند اندیشه معیارهای حداقل برای رفتار حکومتی مناسب را کنار نهند و به این خاطر به مفهوم «حقوق اساسی» روی می‌آورند. برجسته‌ترین فیلسوف که برای ارتقاء این نظر تلاش‌های فراوانی نمود شوآمی‌باشد که فهرست حقوق اساسی را به حقوق معیشتی، امنیتی و تعدادی از حقوق آزادمشانه توسعه داد. شو، حقوق اساسی را حقوقی تعریف می‌کند که برخورداری از آن‌ها برای بهره‌مندی از همه دیگر حقوق ضروری است. برای حفاظت از حقوق اساسی می‌توان سایر حقوق را نقض کرد (اگر ضرورتی در کار باشد) اما حقوق اساسی را نمی‌توان به خاطر دیگر حقوق نقض کرد. در این میان، دانلی نگران است که تعیین «حقوق اساسی» ممکن است منجر به غفلت از دیگر حقوق انسان شود که بنابر نظریه او برای زندگی کرامت‌مندانه انسان ضروری‌اند. پس مفهوم «حقوق اساسی» اختلافی است و در نتیجه در حل مسئله تعارض حقوق زیاد راهگشا نخواهد بود (فریمن، ۱۳۸۳: ۵۵).

شایان توجه است که طرفداران این نظریه با برداشتی متمایز از مفهوم دارای اهمیت برجسته بودن که جزئی از مدل سه بعدی کرانستون بود برای تقویت دیدگاه خود بهره می‌برند. شو اظهار داشت که برخی از اقسام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم سنگ و هم ارزش با حقوق مدنی و سیاسی بوده و بدون آن‌ها حقوق مدنی و سیاسی فاقد محتوا می‌باشند؛ به عنوان مثال، کسی که به شدت گرسنه است اندیشه مشارکت در امور سیاسی جامعه را در سر نمی‌پرورد. این استدلال درست در نقطه مقابل موضع‌گیری کرانستون قرار می‌گرفت که تنها حقوق مدنی و سیاسی را دارای اهمیت اساسی به شمار می‌آورد. به علاوه، شو و دانلی، از سرآمدان این مکتب فکری، قاطعانه با این نظر که حقوق مدنی سیاسی ماهیتاً منفی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذاتاً و ماهیتاً مثبت هستند به مخالفت برخاسته و بیان کردند که تضمین هر دو دسته حقوق در پاره‌ای موارد نیازمند اتخاذ اقدامات مثبت و منفی می‌باشد؛ مانند فراهم کردن دادرسی عادلانه یا تأمین امنیت ملی. دانلی در ادامه دفاعیات خود استدلال می‌کند در تمایز میان این دو گونه از حقوق اشتباهی روی داده است: برای مثال، حق مالکیت جزء حقوق مدنی محسوب شده است در حالی که به همان اندازه معقول است آن را جزء حقوق اقتصادی بدانیم. شو استدلال می‌کند که عدم مراعات حقوق اساسی اقتصادی خاصی، مثل حق امرار معاش، حقوق مدنی و سیاسی را بی‌ارزش می‌سازد (فریمن، ۱۳۸۳: ۵۶).

درست است که شو و کسانی که دنباله روی راه وی در شناسایی حقوق حداقلی بوده‌اند ایده برتری حقوق مدنی و سیاسی بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تا حدود زیادی تعدیل کرده‌اند اما به ضرس قاطع از نظرگاه آن‌ها حق استراحت و فراغت جایگاهی در فهرست حقوق با ماهیت جهانی که تضمین‌کننده کرامت انسانی هستند نداشته و پرداختن به آن نه از آن حیث که دارای وجود مستقلی بوده بلکه از این منظر که چون دیگر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طفیلی و مأخوذ از سایر حقوق است، می‌باشد.

۲-۳. پاسخ به انتقادات

منتقدان ماده ۲۴ اعلامیه یا فراغت و تفریح را اصلاً حق نمی‌دانند و یا نسبت به سایر حقوق ارزش و اهمیت کمتری برای آن قائل هستند؛ در مباحث پیشین اشاره شد که هرچند در مورد حق تلقی کردن برخی حقوق در هنگام نگاشته شدن اعلامیه، تشتت آراء وجود داشت؛ گرهمایی کشورها در ۱۹۹۳ در وین نقطه عطفی در تغییر نگرش دولت‌ها و یکپارچه نمودن موضع‌گیری آن‌ها در مورد مبانی حقوق بشر تلقی می‌گردد به گونه‌ای که امروزه بی‌هیچ تردیدی جامعه بین‌المللی براین باور است که حق استراحت و فراغت به مانند و برابر سایر حقوق مندرج در اعلامیه در حفاظت از کرامت انسانی نقش مهمی به دوش می‌کشد؛ زیرا کار بیش از حد، تهدیدی نسبت به کرامت انسانی بوده و بدین جهت باید حق فراغت به رسمیت شناخته شود. صرف نظر از توجیه ضرورت وجود این حق از این منظر، با توجه به خاستگاه اولیه شکل‌گیری این حق به نظر می‌رسد بتوان با نگاهی نوین یعنی رویکردی جامعه‌شناختی به قضیه نیز توضیحاتی

¹ Essentialism² Shue

پیرامون اهمیت وجود این حق ارائه نمود، به گونه‌ای که پژوهشگران مسلم عرصه اوقات فراغت براین عقیده‌اند که این حوزه به کاوش جامعه شناختی مستمر اختصاص می‌یابد (Byrne et al., 2024: 337). سخن روبرتو اونگر^۱ به روشنی صحت این ادعا را آشکار می‌سازد؛ وی براین عقیده است که تلاش برای فهم اهمیت حقوق، سرانجام به مسایل عمده و حل نشده نظریه اجتماعی می‌انجامد. نکته مورد توجه در این نگرش‌ها این است که تحلیل و بررسی حقوق، نکاتی فراتر از حقوق را فاش می‌کند. اگر حقوق را به عنوان یک «پدیدار اجتماعی»^۲ در نظر بگیریم، با بررسی حقوق و تحلیل عمیق اجتماعی آن، درباره جامعه‌ای که آن نظام حقوقی در آن واقع شده، بیشتر خواهیم دانست (رحمانی فرد، ۱۳۸۶: ۷۲).

بدین ترتیب، دفاعیات خود را در سه قسمت عرضه می‌داریم: ۱- روان شناسی اجتماعی استراحت و فراغت که نشان‌دهنده اهمیت بنیادین و اساسی حق برای بهداشت و سلامت روانی و جسمی است؛ ۲- حقوق جزئی از ساختار اجتماعی است و روند پیدایش حق فراغت به عنوان گواه و ادله‌ای بر مفهوم ساختار اجتماعی می‌باشد؛ ۳- رویه فعلی دولت‌ها نمایانگر احترام دولت‌ها به این حق است که برخلاف نظر مخالفان، این حق را در عمل نه غیرممکن، نه غیر عملی و نه نامطلوب می‌نمایند.

۱-۲-۳. روانشناسی اجتماعی

بدیهی است هدف اولیه همه قانون‌های پایه در زیستن و بودن و شدن تنها یک مقصد را طلب می‌کنند و آن، شادمانی و خوشبختی جامعه است (دادخواه، ۱۳۹۱: ۹۵). بدین جهت، در روزگار ما حقوق باید به پیشواز این شاهراه برود تا آدمی از روزگار خود به شادی بهره جوید؛ زیرا حق شادمانی برترین حق است و همه حقوق شناخته شده انسان پایه‌هایی است برای این حق تا برپا و پاسداری شوند (دادخواه، ۱۳۹۱: ۳)؛ در این میان، قانون‌نگاران باید در برداشتن، گذاشتن و انتخاب واژگان، این گرانیگاه را ارجمند دارند که مبدا شادمانی مردم نادیده گرفته شود (دادخواه، ۱۳۹۱: ۹۵)؛ از جمله تلاش‌های گرانبهایی که در این زمینه رقم خورده تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد که چراغ تازه‌ای را برای پی‌گیری این آرمان انسان گرایانه برافروخته است. به همراه داشتن حس شادی و خشنودی افزایش رضایتمندی فرد از پیشه و حرفه، بهبود راندمان کاری و سلامت فردی را به همراه خواهد داشت.

با عنایت به اینکه هر فردی متناسب با منصب و مقامی که اختیار کرده تعهداتی دارد که دغدغه ایفای مناسب و بهنگام آن‌ها می‌تواند افراد را در محیط کاری دچار تنش و اضطراب بیش از حد کرده و در نتیجه سلامت روحی و فکری آن‌ها را به مخاطره افکند از یافته‌های روانشناسی اجتماعی برای ایجاد محیط کاری بهتر و افزایش رضایت شغلی استفاده می‌شود. با تکیه براینکه روانشناسی اجتماعی درصدد فهم طبیعت و علل رفتار فردی در موقعیت‌های اجتماعی است صاحب نظران در این زمینه با دامنه وسیعی از شرایط که رفتار اجتماعی افراد شامل اعمال، احساسات و افکار آنان در رابطه با اشخاص دیگر را شکل می‌دهند سروکار دارد (صلیبی، ۱۳۷۱: ۲۵۳) تا با استفاده از تحلیل درست روابط کار از منظر روانشناسی، هم رضایت کارگران را بهبود بخشید و هم بازده آن‌ها را در کار افزایش داد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۸۳).

در حقیقت، از عمده علل تمرکز مطالعات روانشناسی بر میزان رضایت از کار نقش سازنده‌ای است که در تکوین یا تغییر رویکردهای توسعه و برنامه‌ریزی اجتماعی دارد. به عبارتی تدوین برنامه‌های توسعه براساس داده‌های زمینه‌یابی اجتماعی، نوعی تغییر رویکرد در برنامه‌ریزی از بالا به پایین به وجود می‌آورد و منجر به تقویت نگاه از پایین به بالا در برنامه‌های توسعه و در پی آن، سیاست‌گذاری اجتماعی می‌شود (سجودی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱).

بنابراین، ارزش و بهایی که برای روح و روان نیروی کار هزینه می‌شود درجهت رشد، پیشرفت و سعادت کل جامعه به خدمت گرفته می‌شود. بی دلیل نیست که بخش عمده‌ای از مطالعات روانشناسی اجتماعی برای پررنگ کردن اهمیت بنیادین و محوری حق استراحت و فراغت نسبت به شمار اعظم حق‌های دیگر، از جمله حقوق مدنی - سیاسی و حقوقی که توسط تقلیل گراها به عنوان حقوق «اولیه»^۳

¹ Roberto Unger

² Social phenomenon

³ primary

خوانده می‌شوند، می‌باشد. با وجود این، در میان نظریه‌پردازان تقلیل‌گرا هستند کسانی که ایده حق استراحت و فراغت را هم سنگ حقوق اولیه شمارند. فنیس^۱ «بازی» را حقی «اساسی»^۲ دانسته که متعاقب تضمین امنیت زندگی، در تأمین رفاه از اهمیت بنیادین برخوردار است. درحقیقت، از دیرباز این باور پذیرفته شده که اختصاص اوقاتی برای فراغت به منزله اتلاف وقت یا نادیده گرفتن وظایف شغلی نیست بلکه لازمه «زندگی شرافتمندانه‌ای»^۳ است که گوهر وجودی و جوهر حقوق بشر را می‌سازد. نکته حائز اهمیت این است که حق فراغت با مطالعات تجربی دنباله‌دار برای بهبود و ارتقاء «رفاه»^۴ گره خورده است (Haworth, Lewis, 2005: 67-79) زیرا، تحقق «رفاه» سبب احیای حس شادی، آسودگی و رضایتمندی در فرد شده که قوا و استعدادهای نهفته‌اش را بیدار کرده و مسیری برای به فعلیت رساندن آن‌ها و حتی بهره‌مندی از دیگر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ازجمله حق سلامت می‌باشد.

این مطالب ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که اگر با ایجاد سرمایه‌های اجتماعی نظیر کار و برخورداری از فراغت، انگیزه زندگی به اقشار فقیر و ناشاد تزریق شود، جامعه را در سراسیمه‌ی بهروزی فردی و اجتماعی قرار داده‌ایم. نگاهی به کشور بوتان می‌تواند در ارائه رویکردی عملگرایانه به توجه به شادمانی در سیاست‌های کلی یک کشور و اولویت‌گذاری در ارزش‌ها بسیار جالب توجه باشد. در این کشور، از سال ۲۰۰۰ مرکز مطالعاتی تأسیس شده که هدف اصلی آن ارزیابی خشنودی و رضایتمندی مردم است که آیا افراد از زندگی خود رضایت دارند و عوامل عینی مثل استانداردهای زندگی، بهداشت، آموزش، مشارکت در امور فرهنگی، وضعیت محیط زیست، توازن میان کار و تفریح در برنامه افراد وجود دارد یا خیر که در برآیند این عوامل شادابی و خرسندی جامعه را گزارش دادند. در حال حاضر، در بوتان (کمیسیون ناخشنودی ناخالص داخلی) به طور منظم به ریاست نخست وزیر تشکیل می‌شود و تمامی طرح‌های جدید وزارت-خانه‌ها را بررسی می‌کند، اگر هر کدام از طرح‌ها مغایر با هدف ترویج خشنودی ناخالص داخلی بود آن را به وزارت خانه باز می‌گردانند تا مورد تجدیدنظر قرار گیرند؛ جالب تر آنکه، بدون تأیید این کمیسیون هیچ طرحی در بوتان نهایی نمی‌شود (دادخواه، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

۲-۳. حقوق به مثابه ساختار اجتماعی

میرهن است حقوق بشر «ساخته شده به دست اجتماع» (فریمن، ۱۳۸۳: ۵۳) بوده و از آن جهت که مشتمل بر مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که الگوی رفتاری و الگوی نظم خاصی را اعلام می‌کند، تفاوتی با سایر دسته‌بندی‌های مفهومی حقوق نداشته و نمی‌توان هنجارها و قواعد آن را به طور منتزع و مجرد از ساختارهای اجتماعی جوامع مورد بررسی قرار داد (نوروزی، ۱۳۸۸: ۴۷۸). مطابق با تحلیل جامعه‌شناسانه ماکس وبر^۵ نیز این امر، عینی و معقول نیست که معیارهای انتزاعی خاصی طراحی شود و ادعا این باشد که بر روابط گوناگون اجتماعی حاکم است و علی‌رغم تحول آن روابط، آن معیارها ثابت و بسیط باقی بمانند. در نتیجه، برای ماکس وبر اصلاً قابل تصور نیست که روابط پیچیده کار صنعتی در جامعه سرمایه‌داری و صنعتی، به وسیله چند قاعده ساده اجاره اشخاص تنظیم شود؛ بدین ترتیب، لزوم طراحی حقوق کار متناسب با سازکار جامعه صنعتی و سرمایه‌داری ضروری می‌نماید (علیزاده، ۱۳۸۳: ۸۶).

با توضیحاتی که پیرامون شکل‌گیری جنبش‌ها و مبارزات کارگری و آنچه که قوه محرک دامنه‌دار شدن آن‌ها به سراسر قاره اروپا و سایر نقاط بود، ارائه شد می‌توان قاطعانه ادعا نمود که حق استراحت و فراغت که ابتدائاً با خواسته «تحدید ساعات کار» مورد مطالبه قرارگرفت حاصل همبستگی و ارتباط حقوق و جامعه، اصل هماهنگی دگرگونی‌های اجتماعی و حقوقی و اصل توجه به نقش عوامل فراحقوقی (سیاست، اقتصاد و...) است که درون مایه نظریه حقوقی - اجتماعی را شکل می‌دهند و از آنجایی که پدیدارهای حقوقی از چشم انداز اجتماعی - حقوقی، پویا و متحول تلقی می‌شود حق بر فراغت نیز در یک فرایند تحول و دگرگونی پیوسته و بی‌وقفه مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد.

¹ Fennis

² essential

³ A life of 'dignity'

⁴ welfare

⁵ Max Weber

با ملاحظه به هم پیوستگی جامعه و حقوق، برخی از جامعه شناسان و حقوقدانان، مفهوم «حقوق اجتماعی» را مطرح کرده و معتقدند که هر رشته حقوقی که فرد، محور اصلی آن نباشد، بلکه به فرد به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی توجه کند و قواعد موجود در آن رشته، جنبه حمایتی داشته و هدف آن‌ها بهبود وضع مادی آن گروه و به تبع آن، وضعیت معنوی آنان باشد و این هدف نهایی را تعقیب کند که همکاری آشتی جویانه را جایگزین دشمنی کرده، تضادهای اجتماعی را به کمترین حد برسانند منعکس کننده محتوای این حقوق می‌باشد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۷۷) که نتیجتاً حقوق کار و ملزومات آن یعنی حق استراحت و فراغت را به عنوان مصادیق عینی دربرمی‌گیرد. از جمله صاحب نظران در این حیطه والتسر^۱ می‌باشد چراکه وی حق‌ها^۲ را برآیند عضویت در گروهی معین می‌داند. وی عضویت را امری مطلوب دانسته و توزیع عضویت را جنبه مهم هر جامعه عادلانه می‌داند. از آنجایی که امکان توزیع عضویت وجود دارد، بدین ترتیب، امری مشارکتی است و حق‌های اعطایی به منظور تضمین حضور در گروه است - یعنی برای تضمین اینکه توزیع عضویت به نحو عادلانه‌ای بین افراد گروه صورت گرفته است (Richards, Carbonetti, 2012: 10). از نظر وی، توزیع اوقات فراغت «موضوع محوری و اساسی در عدالت توزیعی است» (Walzer, 2008: 185)؛ به گونه‌ای که حتی به لحاظ تاریخی دو شکل توزیع اوقات فراغت، یعنی تعطیلات^۳ و مرخصی-ها،^۴ محتمل‌ترین و ممکن‌ترین طرق تضمین توزیع اوقات فراغت بوده‌اند. نکته دیگر اینکه با وجود آنکه والتسر توجه به توزیع اوقات فراغت را در تحقق عدالت سرنوشت ساز تلقی کرده اما در مورد چگونگی و کیفیت توزیع آن نظری نداده است. در تکمله نظرات والتسر تأکید می‌شود او معتقد است حق استراحت و فراغت که در اسناد حقوق بشری از جمله میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته را «نمی‌توان به عنوان حق بشری قلمداد نمود بلکه تنها نقش آن حمایت و تقویت برخی ترتیبات و سازکارهای اجتماعی بوده که لزوماً برای هر جامعه و فرهنگی به عنوان بهترین و مطلوب‌ترین عنصر به شمار نمی‌رود» (Walzer, 2008: 186)؛ به عبارت دیگر «حق» فراغت و به طور ویژه «تعطیلات با حقوق» ساخت و پدیده اجتماعی در پاسخگویی به تحولات و شرایط به وجود آمده در اجتماع و منبعث از عضویت در جامعه‌ای است که تعطیلات با پرداخت حقوق را ارج می‌نهند.

۳-۲-۳. انعکاس در قوانین داخلی کشورها

در این قسمت با ذکر شواهد عینی از قانونگذاری‌هایی که در زمینه تحدید ساعات کار صورت گرفته در پی تضعیف استدلال نظریه-پردازان تقلیل‌گرا مبنی بر عدم قابلیت اجرای حق فراغت به عنوان حق بشری هستیم؛ زیرا همان‌طور که ذکر شد به اعتقاد آن‌ها تنها حقوقی که قابلیت اجرا دارند حقوق حقیقی خوانده می‌شوند. هاروی^۵ از جمله حقوقدانان برجسته‌ای است که دفاعیات خود را در این خصوص مطرح کرده است. وی براین عقیده است که حقوق به عنوان مثال، اسناد و معاهدات حقوق بشری، اهداف و آرمان‌های جوامع را متناسب با شرایط و وضعیت ویژه‌شان ترسیم می‌کند. هدف‌های تعیین‌شده معمولاً یا به تدریج محقق می‌شوند یا کنار گذاشته می‌شوند؛ اما نکته قابل ملاحظه این است که تا زمانی که حق کاملاً مطرود نشده است متضمن تعهدات و تکالیف برای افراد است، حتی اگر مکانیسم و سازکارهای اجرایی ناقص و ناکافی باشند. ادله‌ای که هاروی برای تقویت نظر خود آورده این است که این حقیقت مسلم و هنجار بنیادین که «همه انسان‌ها با هم برابرند» یک دفعه مقبولیت نیافت، بلکه در طی صدها سال توانست در جامعه بین‌المللی ریشه دواند (Harvey, 2004: 719). بنابراین، افت و خیزهایی که در اجرای برخی حقوق از جمله حق فراغت به چشم می‌خورد نمی‌تواند ناشی از عدم مشروعیت حق باشد؛ به ویژه آنکه با تدوین شمار زیادی از کنوانسیون‌ها و مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در حمایت از آن، شاهد رشد فزاینده درج این مقرره در قوانین داخلی کشورها بوده‌ایم که گویای بهبود جایگاه این حق نسبت به سابق می‌باشد. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، تقریباً همه کشورها محدودیت‌های ساعات کار هفتگی را پذیرفته‌اند. بسیاری از قوانین اساسی کشورها صریحاً حق برخورداری از اوقات فراغت را مورد شناسایی قرار داده‌اند. به علاوه، وجوه حمایت از حق فراغت شامل بهرمندی از تعطیلات

¹ Walzer

² rights

³ vacations

⁴ holidays

⁵ Harvey

ادواری با حقوق در قانونگذاری‌های کشورهای اروپایی نیز منعکس شده که حاکی از الگوبرداری و تبعیت از اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

در ۱۹۹۳، شورا و پارلمان اروپا دستورالعملی «راجع به جنبه‌های معین سازمان‌دهی زمان کار» تنظیم نمودند (European Parliament, 1993). این دستورالعمل به ترسیم خطوطی راجع به میزان استانداردهای حداقل اتحادیه اروپا برای استراحت و فراغت می‌پردازد. در موافقت‌نامه‌های الحاق به اتحادیه اروپا این تکلیف بر دولت‌ها نوشته می‌شود که در قانونگذاری‌های داخلی استانداردهایی نظیر محدودیت ساعات کار هفتگی (۴۸ ساعت)، استراحت روزانه (۱۱ ساعت)، محدودیت ساعات کار شبانه (۸ ساعت) و تعطیلات ماهانه با پرداخت حقوق را لحاظ کنند که خود تضمینی برای رعایت این حداقل‌ها می‌باشد. آنچه این دستورالعمل در بطن خود جای داده حمایت از سلامت و امنیت کار کارگران تمام وقت و پاره وقت می‌باشد (Commission of the European Communities, 1997: 3). برخی از مشاغل پرمخاطره مانند مشغولان در بخش حمل و نقل، ماهی‌گیری و نظایر آن (Commission of the European Communities, 1997: 4) به نحوه دیگری مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته و از دایره موارد ذکر شده خارج می‌شوند.

لازم به ذکر است کشورها با الگو برداری از دستورالعمل‌های پارلمان و رعایت حداقل‌ها در چگونگی اجرای فرامین آزادانه عمل می‌کنند. به عنوان مثال تحدید ساعات کاری هفتگی در فرانسه ۳۵ ساعت و در بریتانیا ۴۸ ساعت می‌باشد.^۱ بنابراین، در رویه به خوبی اثبات شده است برخلاف انتقادات وارده امکان اجرای حق استراحت و فراغت در سطح بین‌المللی و داخلی وجود دارد.

کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان اهرم الزام دولت‌ها در اجرای تعهداتشان براساس ماده (د) ۷(۲) نخست بر استانداردهای سازمان بین‌المللی کار در این زمینه استناد می‌کند؛ مستند این سخن اشاره و ارجاعاتی است که در رهنمودهای خود به مقاله نامه ۱۹۲۱ استراحت هفتگی (صنعت) (شماره ۱۴)، مقاله نامه مرخصی با حقوق (شماره ۱۳۲) کرده است. این نکته به طور خاص قابل ذکر است که در حوزه دستمزد با پرداخت حقوق در قبال تعطیلات عمومی، که هیچ مقاله نامه ذی ربطی از سازمان بین‌المللی کار وجود ندارد، کمیته مطالب زیادی بیان نکرده است.

شایان ذکر است که کمیته هیچ اشاره‌ای به مقاله نامه ۱۹۱۹ (شماره ۱) ساعات کار (صنعت) (ILO Hours of Work Convention, 1919)، مقاله نامه ۱۹۳۰ (شماره ۳۰) ساعات کار (تجارت و دفاتر کار) (ILO Hours of Work Convention, 1930)، یا مقاله نامه ۱۹۳۵ (شماره ۴۷) چهل ساعت در هفته (ILO Forty-Hour Week Convention, 1935) نکرده است. یکی از دلایل ممکن است تعداد محدود دولتهایی باشد که این معاهدات را تصویب کرده اند.^۲ صرف نظر از اینکه کمیته اظهاراتی بیان دارد و بگوید که به عنوان یک ضابطه و استاندارد کلی طول هفته کاری چه مقدار باید باشد،^۳ و ساعات کار در هفته چه هنگام به عقیده کمیته خارج از اندازه می‌باشد. تنها اظهاراتی که اعضای کمیته در این زمینه کرده‌اند حاکی است که دولت‌ها باید تلاش‌هایی برای کاهش طول هفته کاری بکنند و هفته کاری ۵۴ ساعته در شرایط عادی خارج از اندازه دانسته شده است. بی تردید کمیته باید به عنوان یک اصل و همسو با رویکرد سازمان بین‌المللی کار، تصریح کند که دولت‌ها باید تلاش کنند طول هفته کاری را به شیوه‌ای تدریجی کاهش دهند (کربون، ۱۳۸۷: ۳۱۳)؛

^۱ International Labour Office, "Hours of Work: From Fixed to Flexible?", Report III (Part 1B) General Survey of the Reports Concerning the Hours of Work (Industry) convention, 1919 (No. 1), and the Hours of Work . (Committee and Offices) Convention, 1930 (No. 30), 2005, available at: <http://www.ilo.org/public/English/standards/relm/ilc93/pdf/rep-iii-1 b.pdf>.

^۲ Reporting guidelines, UN ESCOR, Supp. (No. 3), Annex IV, at 92. ILO Weekly Rest (Industry) Convention (No. 14), 1921, 38 UNTS 187; ILO Holidays with Pay Convention (Revised) (No. 132) 1970, Cmnd 4706.

^۳ مثلاً مقاله نامه هفته چهل و هشت ساعته (شماره ۴۷) ۱۹۳۵ فقط توسط ۸ کشور تصویب شده است.

^۴ For the ILO position, see General Survey of the Committee of Experts, Working Time: Reduction of Hours of Work, Weekly Rest and Holidays with Pay, ILC voth Sess., Report III (Pt.4B)(1984).

^۵ See Texier, E/C. 12/1989/SR. 8, at 5, para. 26.

^۶ See Mratchkov, E/C. 12/1989/SR. 8, at 7, para 36.

هفته کاری ۵۲ ساعته بدون هیچ اظهارنظری در مورد کنیا پذیرفته شده بود:

پیشبرد اصل کاهش تدریجی ساعات معمولی کار در جهت رسیدن به استاندارد هفته ۴۰ ساعته می‌باشد و درمورد دولتهایی که ساعات کاری هفتگی موجود در آن‌ها بیش از چهل و هشت ساعت است، باید گام‌هایی فوری در کاهش آن به سطح یاد شده برداشته شود.

بدیهی است که میزان توانایی دولت‌ها در کوتاه‌تر ساختن هفته کاری بستگی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان و میزان اثرگذاری آن بر بهره‌وری، رقابت‌پذیری و موازنه تجاری دارد. البته با عنایت به تفاوت‌های کلی موجود میان دولت‌ها، مقررات توصیه نامه ۱۹۶۲ (شماره ۱۱۶) سازمان بین‌المللی کار راجع به کاهش ساعات کاری تواند راهنمایی سودمند برای کمیته باشد. در این مقررات توصیه شده است که دولت‌ها از خط مشی ملی پیروی کنند (کربون، ۱۳۸۷: ۳۱۳).

همان‌طور که از ابتدا تا بدین جا روشن گشت رواج قانونگذاری کار در کشورها، با مندرجات شرایط کار از جمله ساعت کار، مزد، تعطیلات و مرخصی‌ها و ... پیش‌تاز حقوق اقتصادی و اجتماعی است که قبل از اعلامیه حقوق بشر به جهانیان عرضه شده است. ورود ایران نیز به این عرصه با تدوین و اجرای قوانین کار ۱۳۲۵، ۱۳۲۸، ۱۳۳۷ و ۱۳۶۹ و نیز قانون تأمین اجتماعی ۱۳۵۳ نقطه امید قابل توجهی در استقبال از محتوای حقوق اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۳۸). قانون کار ۱۳۶۹ که هم اکنون نیز در کشور جاری می‌باشد در مواد ۷۸-۵۱ به شرح و تفصیل مدت زمان کار اختصاص یافته است؛ قانونگذار در اولین ماده این مبحث اشاره کرده که ساعات کار کارگران نباید از ۸ ساعت در شبانه روز و ۴۴ ساعت در هفته تجاوز کند و در موادی که به دنبال آن آمده به ذکر استثنائات می‌پردازد. قابل ذکر است که جمهوری اسلامی ایران تنها به شمار معدودی از پیمان نامه‌های بین‌المللی کار پیوسته (۱،۲۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۸۲ و MLC) که هیچ کدام مربوط به تحدید ساعات کاری نمی‌باشند؛ اما نظر به اینکه میزان ساعات کار و رعایت حال کارگران امروزه به صورت هنجار پذیرفته شده بین‌المللی در آمده کشورها در قانونگذاری‌های خود این مهم را از نظر دور نمی‌دارند.

نتیجه گیری

امروزه حق کار و تمتع از شرایط کار منصفانه و عادلانه به قطعیت از حقوق حقه و اولیه بشری به شمار می‌آید. یکی از خصوصیات بنیادی حق بر شرایط عادلانه و مطلوب کار، حق برخورداری از استراحت و فراغت می‌باشد که در ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (د) ۷(۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است. نکته‌ای که نباید مغفول بماند آنکه اختصاص آخرین بند ماده ۷ به این حق، تصادفی و از روی تسامح نبوده است؛ نظر به اینکه کارآمدی حق‌های مذکور در ماده ۷ بسیار بستگی به اجرای افقی حق‌ها دارد (کربون، ۱۳۸۷: ۳۱۵)، باید قائل به این بود که تحقق بندهای پیشین پلکانی جهت عینیت بخشیدن تمام و کمال حق استراحت و فراغت می‌باشند. درحقیقت، همان‌گونه که حق کار به عنوان یکی از الزامات زیست بشری به رسمیت شناخته شده است، حق فراغت و استراحت نیز به علت آمیختگی با سرشت و کرامت انسانی در عداد حقوق بشری درآمده و تکلیفی را بر دولت‌ها بار می‌کند که شرایط و بسترهای تحقق آن را فراهم نمایند.

پیش از مطرح شدن استراحت و فراغت به عنوان حق بشری، پیشینه ظهور اشکال گونه‌گون این حق که در متن ماده ۲۴ تصریح شده به کنوانسیون‌ها و مقاوله نامه‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار برمی‌گردد که به عنوان تدبیری برای فرونشاندن موج خشم و انزجار کارگران دوران انقلاب صنعتی که هم‌چون شعله‌های آتش در حال سوزاندن و از بین بردن سرمایه‌های هنگفت صاحبان صنایع بود، اندیشیده شد. در اهمیت جایگاه حق فراغت و استراحت در زندگی آدمی همین نکته بس که در اسناد سازمان بین‌المللی کار منحصر و محدود نماند و دامنه آن به اسناد مهم حقوق بشری نیز کشانده شد تا تکلیف و الزام عملی ساختن و عینیت بخشیدن به آن با توسل به سازکارهای بین‌المللی گوناگون بیش از پیش گرده دولت‌ها را بفشارد.

¹ Forced Labor Convention (1930). No. 29.

² Equal Remuneration Convention (1951). No. 100.

³ Abolition of Forced Labor Convention (1957). No. 105.

⁴ Discrimination (Employment and Occupation) Convention (1958). No. 111.

⁵ Worst Forms of Child Labor Convention (1999). No. 182.

⁶ Maritime Labor Convention (2006).

در سیر فراز و نشیب‌های ماده ۲۴ به خوبی روشن شد که گمانه زنی‌های فراوانی درخصوص درج یا عدم درج این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر سربرآورد و حتی تا به امروز گروهی از صاحب نظران همچنان در حق شمردن فراغت و استراحت ابراز تردید کرده‌اند. در این میان، اندیشمندانی نه با صرف طرح ایده هم پوشانی و تفکیک ناپذیری حقوق بشر بلکه با رویکردی جامعه شناختی و تدبیر در واقعیات و رویه بین‌المللی سعی در اقناع و توجیه کسانی برآمده‌اند که به طرق گوناگون به مقام و مرتبت این حق بشری خدشه وارد آورده‌اند. عمده کوشش این تئوری پردازان این بوده که اذهان را متوجه ریشه‌های تولد اولین اسناد بین‌المللی در خصوص تحدید ساعات کار، تأثیرات مطلوب اختصاص اوقاتی برای آسودگی خاطر و فراغ بال و همچنین استقبال کشورها در قوانین داخلی‌شان بنمایند.

بدین ترتیب، در پاسخ به پرسش اولیه و مبنایی که آیا در جهان کنونی فراغت و استراحت در قامت حقی بشری به ثمر نشست است و آیا توانسته چتر حمایتی‌اش را علاوه بر کارگران که پرجمداران طرح این ایده و ادعا در محیط‌های کاریشان بوده به سایر دسته‌های بشری نیز بگسترده؟ نتیجه پژوهش این است که تأملی بر بستر مطالبه‌گری فراغت و تفریح به عنوان حقی بشری که مقارن با انقلاب صنعتی در انگلستان و گسترش آن به سراسر اروپا و ایالات متحده چون یک اپیدمی برق آسا بود نمی‌توانست به سادگی حصارهای ذهنی قدرت دولت‌ها که صرفاً در پی رقابت جویی و تقویت بنیان اقتصادی، سیاسی و نظامی خود در جهان پس از جنگ جهانی دوم بودند را در هم شکند. چنین چارچوب فکری صرفاً تشنه به خدمت گرفتن نیروی کار ارزان قیمت در ساعات طولانی و بی توجه به حقوق رفاهی و فراغتی آن‌ها بود تا مبادا از هم رزمان و رقبای خود در دیگر جبهه‌های صنعتی عقب بماند. جریان انقلاب صنعتی در کشورهای قدرتمند مسیر خود را به پیش می‌برد و نمایندگان‌شان در کرسی‌های بین‌المللی تمام تلاش خود را در به انزوا نگاه داشتن این حق می‌نمودند غافل از اینکه سوپاپ ظرف تحمل جامعه بین‌المللی بعد از درد و رنج بسیار کشیده شده بود و هیچ نیرویی حتی حاکمیت دولت‌ها توان مقاومت در برابر آن را نداشت؛ اینست که تزویر کشورهای قدرتمند در برابر شلاق‌های مطالبه‌گری کارگران که هر دم بر پیکره جامعه صنعتی کشیده می‌شد و چرخ صنعتی را با اعتراضات، تظاهرات گسترده و اعتصاب‌ها فلج کرده بود راه به جایی نبرد و این حق اکنون جایگاه و جاهت خود را در عرصه بین‌المللی باز یافته است.

باید اظهار نمود گرچه زایش این حق در قالب یک اعلامیه حقوق بشری تجلی نمود اما در همین نقطه متوقف نماند و به تدریج مسیر باروری، شکوفایی و تکامل خود را با ریشه دواندن در بدنه جامعه بین‌المللی طی نموده است به گونه‌ای که هم اکنون مدارک بین‌المللی نظیر مقاوله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و اسناد حقوق بشری اعم از کنوانسیون‌های متعدد و ... نمایانگر عزم جامعه بین‌المللی در به رسمیت شناختن و شناسایی این حق در منظومه حق‌های بشری هستند و ابنای بشری به طور عام و گروه‌هایی به صورت خاص بر خوان برخورداری از حق فراغت و تفریح در سطح جهانی نشسته‌اند؛ به گونه‌ای که بیش از ۲۵ اعلامیه، کنوانسیون و میثاق بین‌المللی و منطقه‌ای (McGrath et al., 2017: 314) درخصوص حق شمردن اوقات فراغت تقدیم جامعه بین‌المللی شده است.

ایرانیان با تمدنی غنی مسلمان شدند و اسلام به ایشان آموخت وقت خود را ارج نهند و اعتدال را سرلوحه زندگی خود سازند؛ مثبت این ادعا سخن پیامبر (ص) به صحابه خود اوست که فرمودند: «به تفریح و بازی بپردازید، زیرا من دوست ندارم در دین شما سخت گیری دیده شود» (محمدی، ۱۳۶۷: ۲۸۰۴). بررسی متون اسلامی گواهی می‌دهد آیات و روایات متعددی با مضامین گوناگون حق تفریح و استراحت را به عنوان حق مسلم بشری به رسمیت شناخته‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: روایاتی که خلقت شب را به دلیل آرام گرفتن مردم می‌داند؛ روایاتی که استراحت ندادن به اعضای بدن را موجب حرام شدن درآمد ناشی از آن کار ذکر می‌کند؛ روایاتی که نگاه کردن به فضاهای دلپذیر را مایه روشنی چشم می‌داند؛ روایاتی که روز جمعه و سایر اعیاد اسلامی را روز استراحت و شادی معرفی می‌کند؛ ... موارد گفته شده صرفاً نمونه‌ای از توجه دین اسلام به مقوله شادی و استراحت و لزوم توجه به آن در زندگی روزمره است.

منابع

- حبیبی، محسن؛ نعیمی، اشکان؛ عامریان، سجاد (۱۴۰۲). حق برخورداری از شادی و نشاط و استراحت از منظر اسلام. سبک زندگی اسلامی. (۴) ۷، ۸۶-۱۰۱.
- دادخواه، محمدعلی (۱۳۹۱). حق شادمانی به عنوان استاندارد حادقلی در آثار مولوی و نظام بین‌المللی حقوق بشر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران). تهران. ایران.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۷۹). فرایند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. ۱۵ (۱۵۷ و ۱۵۸)، ۱۲۸-۱۳۵.
- رحمانی فرد، شهرداد (۱۳۸۶). جامعه شناسی حقوق: (الگوی ساماندهی مباحث مدرنیته). تهران: دنیای سبز.
- رفعت‌جاء، مریم (۱۳۹۰). فراغت و ارزش‌های فرهنگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۴ (۱۳)، ۱۵۱-۱۹۰.
- رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۸). محدودیت مدت زمان کار در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی در: کمیسیون حقوق بشر. حقوق بشر در جهان معاصر؛ دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی. تهران: انتشارات آیین احمد (ص).
- سجودی، عادل و دیگران (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت). رویش روان‌شناسی. ۴ (۳)، ۳۰-۱۹.
- سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). تحول مفهوم اوقات فراغت نظام‌های تولیدی و بازار کار. مطالعات جوانان. ۳ (۶)، ۱۰۲-۱۱۷.
- شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۳). سرگرمی و لهو در قرآن کریم. شیعه شناسی. ۱۲ (۴۸)، ۱۰۳-۱۲۶.
- صلیبی، ژاسنت (۱۳۷۱). مقدمه‌ای بر روانشناسی اجتماعی کاربردی. فرهنگ. ۶ (۱۲)، ۲۵۳-۲۷۴.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۸۴). تحول حقوق بین‌المللی کار؛ از تأسیس تا رهیافت نوین سازمان بین‌المللی کار پیرامون کار شایسته. کار و جامعه. ۱۴ (۶۲)، ۴-۱۰.
- علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۳). رویکردی جامعه شناختی به حقوق کار ایران. حقوق خصوصی. ۲ (۶)، ۷۱-۱۰۰.
- فریمن، مایکل (۱۳۸۳). نظریه‌های حقوق بشر. ناقد. ترجمه محمد کیوان‌فر. ۲ (۳)، ۳۷-۶۶.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴ و ۱۳۷۵). تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی. تحقیقات حقوقی. ۱ (۱۶ و ۱۷)، ۹۳-۱۳۶.
- قرآن کریم.
- کریون، متیو سی. آر (۱۳۸۷). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ترجمه محمد حبیبی مجنده. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- کوهستانی، حسنعلی؛ خلیل‌زاده، علی اصغر (۱۳۷۸). پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهرووری از آن. مشهد: نشر تیهو.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷). میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی. قم: مرکز النشر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق.). بحارلأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: موسسه الوفاء.
- نادریان، فاطمه؛ حیدری نژاد، صدیقه؛ خطیبی، امین (۱۴۰۲). حق بر ورزش، تفریح و اوقات فراغت افراد معلول از منظر اسناد ملی و بین‌المللی حقوق بشر. مدیریت ورزشی. (۸۲) ۱۵، ۱۵۳-۱۷۶.
- نوروزی، کامبیز (۱۳۸۸). مقدمات جامعه شناختی اجرای مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در: کمیسیون حقوق بشر. حقوق بشر در جهان معاصر؛ دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی. تهران: انتشارات آیین احمد (ص).

- هاشمی، محمد (۱۳۸۸). حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر از تئوری تا عمل در: کمیسیون حقوق بشر. حقوق بشر در جهان معاصر؛ دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی. تهران: انتشارات آیین احمد (ص).
- همتی، مجتبی (۱۳۸۶). تحلیل مفهومی (ماهیت، توجیهات، جایگاه و تکالیف ملازم دولتی) حقوق اقتصادی و اجتماعی (حقوق رفاهی) در پرتو اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشر. حقوق عمومی. ۲ (۳)، ۱۵۷-۱۴۶.
- Kamminga, M. T. & Morsink, J. (1999). *The Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent*, Pennsylvania. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Walzer, M. (2008). *Spheres of Justice: A Defense of Pluralism and Equality*. New York: Basic Books.
- Cranston, M. (1983). Are there any human rights? *Daedalus*. 112 (4), 1-17.
- Harvey, Ph. (2004). Aspirational law. *Buffalo Law Review*. 52 (3), 701-726.
- Haworth, J. & Lewis, S. (2005). 'Work, leisure and well-being. *British Journal of Guidance & Counselling*. 33 (1), 67-79.
- Murray, M. A. (1993). *Satisfaction with Leisure as a Function of Perceived Constraints to Leisure, Life Situation, and Changes in Life Situation*. M.A. Theses. York University. Toronto.
- Richards, D. L. & Carbonetti, B.C. (2012). Worth what we decide: A defense of the right to leisure. *International Journal of Human Rights*. 1-21.
- Sylvester, Ch. (1992). Therapeutic recreation and the right to leisure. *Therapeutic Recreation Journal*. 26 (2), 9-20.
- Sivan, A. & Veal, A.J. (2021). Leisure and human rights: The world leisure organization charter for leisure: Past, present and future. *World Leisure Journal*. 63 (2), 133-140.
- Veal, A.J. (2021). *Human Rights and Citizenship Rights for Leisure, Sport, Tourism and Culture*. 1-24. Available at: <https://www.cabidigitallibrary.org/books/human-rights-citizenship-rights-leisure-sport-tourism-culture>
- McNeill, S. (2020). Article 31 of the CRC, the right to play, rest and leisure: A forgotten right for children?. *The King's Student Law Review*. 10 (2), 2-17.
- Byrne, S. & Ludvidsen, J.A.L. (2024). Human rights and leisure: Welfare, wellbeing and social justice. *International Journal of the Sociology of Leisure*. 337-340
- McGrath, R.; Young, J. & Adams, C. (2017). Leisure as a human right special edition introduction. *Annals of Leisure Research*. 20 (3), 314-316.
- UN Committee on the Rights of the Child (CRC) (2013). *General Comment No. 17 (2013) on the Right of the Child to Rest, Leisure, Play, Recreational Activities, Cultural Life and the Arts (Art. 31)*. CRC/C/GC/17. 17 April 2013, <https://www.refworld.org/legal/general/crc/2013/en/96090> [accessed 15 September 2025].
- European Parliament and the Council of the European Union (1993). 'Concerning Certain Aspects of the Organization of Working Time. Directive 1993/104/EC. Official Journal of the European Union, L307, 13/12/1993.
- Commission of the European Communities (1997). 'White Paper on Sectors and Activities Excluded from the Working Time Directive. Con: 97 334 final.
- International Labor Office (2005). 'Hours of Work: From Fixed to Flexible?', Report III (Part 1B) General Survey of the Reports Concerning the Hours of Work (Industry) convention, 1919 (No. 1), and the Hours of Work. (Committee and Offices) Convention, 1930 (No. 30), 2005, available at: <http://www.ilo.org/public/English/standards/relm/ilc93/pdf/rep-iii-1 b.pdf>.
- Reporting guidelines, UN ESCOR, Supp. (1921). Annex IV, at 92. *ILO Weekly Rest (Industry) Convention (No. 14), 1921, 38 UNTS 187; ILO Holidays with Pay Convention (Revised) (No. 132) 1970. Cmnd 4706.*

ILO Hours of Work (Industry) Convention (No. i) (1919). 38 UNTS 17.

ILO Hours of Work (Commerce and Offices) Convention (No. 30) (1930). 39 UNTS 85.

ILO Forty-Hour Week Convention (No. 47) (1935). 271 UNTS 199.

General Survey of the Committee of Experts (1984). *Working Time: Reduction of Hours of Work, Weekly Rest and Holidays with Pay*. ILC voth Sess., Report III (Pt.4B).

Texier, E/C. 12/1989/SR. 8.

Mratchkov, E/C. 12/1989/SR. 8.

E/C. 12/1993/SR. 4.

Forced Labor Convention (1930). No. 29.

Equal Remuneration Convention (1951). No. 100.

Abolition of Forced Labor Convention (1957). No. 105.

Discrimination (Employment and Occupation) Convention (1958). No. 111.

Worst Forms of Child Labor Convention (1999). No. 182.

Maritime Labor Convention (2006).

